

تأثیر ماهیت پول بر احکام حقوقی آن

عباس کریمی*
طاها عرب اسدی**
مهرسا مجیدی***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

چکیده

چگونگی ایجاد پول میان مردم یکی از دشوارترین پرسش‌های تاریخ است. در این مقاله، نویسندگان به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش بوده‌اند که چگونه چیزی در اجتماع به عنوان پول پذیرفته می‌شود؟ از این رو، با استفاده از روشی تحلیلی-توصیفی و با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای، این نتیجه به دست آمد که پول، به عنوان آفریده‌ای اجتماعی حاصل انتزاع گروهی انسان‌ها در داشتن انگیزه کافی جهت بخشیدن وضعیت کارکردی پول، به هر چیزی است؛ باین‌همه، این پول انتزاعی برای ورود به مادی‌ترین قسمت زندگانی بشر، یعنی حیات اقتصادی وی، نیاز به «برابر بیرونی قابل اثباتی» داشته تا از رهگذر آن راه خود را برای این ورود هموار کند. این اعتقاد شبه‌مذهبی قوام‌دهنده پول، به یک‌باره پدید نیامده، در درازای تاریخ بارها درهم شکسته و از نو راسخ‌تر بازبایی شده است. از دیگر سو، درهم‌آمیختن ذات انتزاعی پول و برابرهایی بیرونی‌اش، در بسیاری مواقع رهنز بوده، سبب پیدایش نگرش‌های گونه‌گونی پیرامون ماهیت آن شده است؛ به گونه‌ای که این امر سبب گمراهی در تحلیل‌های حقوقی با محوریت پول شده است. بنابراین، در مقاله پیش‌رو، دیدگاه‌های گوناگون پیرامون پول و تأثیر هریک از آنان بر احکام حقوقی، در چهار گفتار، مورد ژرف‌نگری قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها:

ارزش آمیخته، ارزش اعتباری، ارزش انتزاعی، ارزش ذاتی، ماهیت پول، نظریه دولتی بودن پول.

* استاد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
abkarimi@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

*** دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه مونترئال، مونترئال، کانادا



Copyright: É2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

طی سالیان دراز، پول موضوع انحصاری مطالعات اقتصادی بود. در این دوران، حتی این پرسش که «پول چیست؟» با «پول چه می‌کند» پاسخ داده می‌شد؛ چه اعتقاد بر این بود که پول ماهیتی با کارکردهای گوناگون نیست؛ بلکه ماهیت پول چیزی جز همین کارکردها نیست. این امر نشان‌دهنده وصف پویای پول است. پولی که ماهیت خود را از همین خستگی‌ناپذیری از جابه‌جاشدن میان انسان‌ها می‌گیرد.^۱ وانگهی، باید از این دیدگاه افراطی به کلی دست شُست. در سال‌های اخیر انجام مطالعات مبنایی در حوزه‌های فلسفی و جامعه‌شناسی درباره پول، سبب تغییر نگرش بسیاری در این‌باره شده است. بدیهی است در تمام این سال‌ها اقتصاددانان به نتایج ارزشمندی از کارکردهای اقتصادی پول دست یافته‌اند، اما این امر مانع از انجام مطالعات رشته‌های دیگر نخواهد بود. به‌طور مثال، در دوران تورم وحشتناک آلمان پس از جنگ جهانی اول که برای خرید سبزیجات با چرخ‌دستی پول جابه‌جا می‌شد، همچنین استفاده از مارک، به‌عنوان کاغذ دیواری، یا سوزاندن آن برای گرم کردن، به‌صرفه‌تر از خرید کاغذ دیواری یا وسایل گرمایشی با همان مارک بود و پول از انجام ساده‌ترین کارکردهایش باز مانده بود، همگی این موارد، هیچ تردیدی در باور عمومی مردم نسبت به پول بودن مارک ایجاد نکرده بود.^۲

بالین‌همه، رشد فزاینده مطالعات عملی، به‌هیچ‌وجه ما را از مطالعات فلسفی و مبنایی بی‌نیاز نخواهد کرد. از دیگر سو، علم نیز بدون فلسفه در شناخت جهان با مشکل مواجه خواهد بود. بنابراین، در کنار علم اقتصاد که به‌دنبال شناخت بهتر پول در عالم واقع و یافتن قواعد حاکم بر آن است، فلسفه به‌دنبال دریافتن آن در عالم اعتبار است. وظیفه فلسفی در قبال پول نیز همچون گذشته، فقط محدود به ابعاد اخلاقی آن نبوده، بلکه در تلاش برای فهم ارزش پولی به‌عنوان یک مفهوم ساختاری است. در نگاه نخست، پرداختن به بحث‌های فلسفی پیرامون پول به‌طرز عجیبی متناقض می‌نماید؛ چراکه فلسفه دانشی عاری از تعلقات مادی بوده، در برابر پول یکسره آلوده به امور دنیوی است. وانگهی، اشخاصی چون کافنتزیز^۳ معتقدند، پول بر ایده‌های فلسفی اثرگذار

1. Poggi, G. *Money and Modern Mind*, London: University of California Press, 1993, p 147.

2. Chadwick, A. "Rethinking EU's Monetary Constitution: Legal Theory of Money" *The Euro, And Transitional Law, European Law Open*. Vol. 1, No. 3, 2022: pp 468-509.

3. Caffentiz

است. برخی دیگر همانند آلفرد سون رتل^۱ نیز بر این باورند، امر مادی همچون پول حتی پیش از امری انتزاعی مانند فلسفه پدید آمده، ای‌بسا در ایجاد فلسفه نیز نقش داشته است؛ چه مردم اعتباریات را از اموری چون دادوستد فراگرفته‌اند. از این‌رو، پیشرفت فلسفه به استفاده از پول گره خورده است.^۲ پول پیش از تأسیس حاکمیت‌ها و دولت‌ها پدید آمده است، پس از آن نیز وجود خواهد داشت. بنابراین، نویسندگان در این مقاله با نگاهی فلسفی به دنبال یافتن مبنای ایجاد پدیده‌ای به نام پول و سپس دریافتن آثار این آگاهی بر احکام حقوقی آن خواهند بود.

در این مقاله، نویسندگان به دنبال پاسخ گفتن به این پرسش بوده‌اند که چگونه چیزی در یک جامعه به عنوان پول مورد پذیرش قرار می‌گیرد؟ آیا آن چیز باید ویژگی‌هایی در نهاد خود داشته باشد؟ یا باید بتواند به بهترین گونه پاره‌ای نیازها و کارکردها را تأمین کند؟ یا هیچ‌کدام؛ بلکه تنها نیاز است تا در بیرون از خود و بی‌توجه به آن چیزی که هست، به عنوان پول به رسمیت شناخته شود؟ پول از تولیدات اجتماعی است و ماهیت آن ریشه در استحکامات نهادی-اجتماعی دارد. در این معنی، تمایزی موبین میان ارزشمندی پول با ارزش اقتصادی آن برقرار می‌شود. به درستی، کاوش ارزش اقتصادی پول یا بها، به عنوان موضوعی اقتصادی، مؤخر است بر استقرار ارزشمندی این نهاد، به پشتوانه زیرساخت‌های اجتماعی.^۳ درباره ماهیت پول تاکنون نظریات گوناگونی ارائه شده، انگاره‌های ناهمگون، حسب نوع پولی که در جامعه آن روزگار رواج داشته، ابراز شده است. گرچه می‌توان دیدگاه‌های بیشتری را برشمرد، عمده این نظریات را می‌توان ذیل چهار دیدگاه ارزش «ذاتی»، «اعتباری»، «انتزاعی» و «آمیخته» تقسیم‌بندی کرد. ممکن است اعتبار و انتزاع در بسیاری موارد با ساده‌انگاری جای یکدیگر به کار برده شوند؛ باوجوداین، در اصطلاح فنی، اعتبار امری است که با جعل مقنن وضع شده است، با همان نیرو و از همان‌جا نیز تغییر می‌کند؛ اما امر انتزاعی آن است که از یک حیثیت واقعیه انتزاع شده، مقنن فقط در برخی مقومات آن می‌تواند تغییر ایجاد کند.^۴ به عبارتی، اعتبار زاییده قدرت قانون‌گذار است و انتزاع محصول تخیل

1. Alfred Sohn-Rethel

2. Caffentiz, G. *John Lock's Philosophy of Money*, London: Pluto Press, 2021, pp 1-2.

۳. اینگام، جفری، **ماهیت پول**، مترجمان: قودجانی، اصلان، درودیان، حسین، نصیری اقدم، علی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰، صص ۱۵-۱۴.

۴. شوپائی، حسین، **فقه عقود مستحدثه**، تقریرات: جمعی از نویسندگان، قم: انتشارات حوزه‌های علمیه، ۱۴۰۱، ص ۵۶.

اجتماع. بدین سان، می‌بایست نخست از دیرینه‌ترین دیدگاه، که همانا ارزش ذاتی است، آغاز کرد، سپس به سمت دیدگاه اعتباری رهنمون شد. پس از آنکه ذهنیت خواننده از رهگذر دیدگاه اعتباری از ماده فیزیکی پول جدا شد، دیدگاه انتزاعی به عنوان برآیند ذهنی آدمیان ارائه می‌شود. با این همه، در پایان، دیدگاه مورد پذیرش نویسندگان، یعنی نظریه ارزش آمیخته پیشکش خواهد شد؛ چراکه درک درست از پول، بی‌توجه به هر دو جنبه انتزاعی و مادی آن ممکن نیست.

۱. دیدگاه ارزش ذاتی^۱

انسان‌های نخستین که به مبادله کالا به کالا سرگرم بودند، آرام آرام به دلیل دشواری‌های ناشی از این نوع مبادله، آن را به کناری نهادند؛ چه برای تحقق هر معاوضه، شخصی که دارای کالای «الف» و مایل به خرید کالای «ب» بود، باید فردی را که دقیقاً کالای «الف» را می‌خواست، در مقابل، به کالای «ب» نیازی نداشت، جست‌وجو می‌کرد. با این همه، ماجرا به اینجا هم ختم نمی‌شد، بلکه آنها باید قبول می‌داشتند که بهای کالای «الف» با «ب» نیز برابر است تا حاضر به مبادله با یکدیگر می‌شدند. سرانجام، این مشکلات آنان را به اندیشه برگزیدن معیاری برای رهایی از آن فرو برد. آنان با گذشت زمان دریافته بودند، برخی کالاها همواره مورد پذیرش عموم قرار می‌گیرند. همچنین، به دلیل حضور بسیار این کالاها در مبادلات، بهای آنها بیشتر از دیگر کالاها اندازه‌گیری می‌شد. از این روی، گاو نر، صدف، توتون و... به عنوان نخستین ابزارهای مبادلاتی مورد استفاده قرار گرفتند. بدیهی است، کارکرد ذخیره ارزش و ابزار مبادله‌ای پول، سبب انتخاب چنین کالاهایی شده است؛ چه این دو کارکرد پول، به میزان بیشتری به جنسی مادی و ملموس وابسته است. در نتیجه، از آن دوران تا هنگام الغای کامل معیار طلا، رویکرد ارزش ذاتی بر پهنه دیدگاه‌های پیرامون ارزشمندی پول حکمرانی می‌کرد.

نخستین بار، کروزوس^۲ پادشاه لیدی، استفاده نظام‌مند و گسترده از طلا به عنوان پول را گسترش داد. از آن هنگام تا زمانی که بریتانیا در آغاز قرن نوزدهم از معیار طلا به عنوان پشتوانه

۱. در کنار اصطلاح ارزش ذاتی (Intrinsic Value)، از واژه فلزگرایی (Metalism) نیز برای نشان دادن این دیدگاه استفاده می‌شود.

2. Croesus

پول کاغذی استفاده کرد،^۱ طلا و ارزش ذاتی آن آشکارا یا در پشت‌پرده با ماهیت پول درهم آمیخته بود. در سراسر دوران اسلامی، سکه‌های دینار (از جنس طلا) و درهم (از جنس نقره) که به آنها نقد و به جمع آنها نقود می‌گفتند، رواج داشت؛ در کنار این دو سکه، سکه‌های دیگری از جنس فلزات کم‌ارزش‌تر، اغلب مس، به نام فلس هم وجود داشت. بر درهم و دینار، اندیشه ارزش ذاتی حاکم بود و در همه جا حسب وزنشان مورد معاوضه قرار می‌گرفتند، اما در همان هنگام فلوس بر اساس ارزش اسمی‌اش، مبادله می‌شد. از این‌روی، میان درهم و دینار تازه ضرب‌شده با سکه‌هایی که خواه به‌گونه طبیعی، با گذشت زمان، خواه به عمد، مغشوش شده بودند، تفاوت در ارزش وجود داشته، معاوضه آنها با یکدیگر، به دلیل اختلاف در ارزش، مشمول احکام ربا قرار می‌گرفت.^۲ از این گذشته، گاه برای انجام معاملات خرد، سکه‌های درهم و دینار را شکسته، خرده‌های آنان را با یکدیگر دادوستد می‌کردند. این سکه‌ها بر اساس میزان مرغوبیت، یعنی میزان طلا و نقره به کار رفته در آنها و خالص یا ناخالص بودنشان، ارزشمند محسوب می‌شدند. بنابراین، برای پرهیز از غرر در معاملات می‌بایست، علاوه بر تعیین ثمن، نوع سکه‌ای که براساس آن معامله انجام می‌شد نیز تعیین می‌شد؛ چه درهم یا دینارهای گونه‌گون، حسب میزان خلوص و وزنشان، دارای ارزش‌های متفاوتی با یکدیگر بودند.

شگفتا که پیش از دوران اسلامی، در امپراتوری‌های ایران و روم باستان، جابه‌جایی سکه‌های طلا و نقره، حسب ارزش عددی، بر مبنای شمارش رایج بوده و در دوران اسلامی نیز نخستین سکه‌های با خلوص کم طلا و نقره (کمتر از پنجاه درصد) در حکومت‌های ایرانی‌تبار شرق، یعنی سامانیان، غزنویان و آل‌بویه، به دور از نظرگاه ارزش ذاتی، در گردش بودند. در دوران ایوبیان نیز سکه‌هایی با خلوص پایین (بین پنجاه تا هفتاد درصد) رواج داشته، حتی از نوعی درهم که کمتر از بیست درصد نقره در آن به کار رفته بود، استفاده می‌شد. این تغییرات نخستین رخنه را بر پیکره دیدگاه ارزش ذاتی وارد ساخته، فقهای اسلامی را ناگزیر از اتخاذ رویکردهای تازه در این باره

1. Chung, J. J. "Money as Simulacrum: The Legal Nature and Reality of Money", *Hastings Business Law Journal*. Vol. 5, No. 1, 2009, p 8.

۲. از همین‌روی، امام خمینی فرمایش مرحوم یزدی را در ملحقات عروه که بیان می‌دارد، اسکناس‌های امروزی معدود بوده و از جنس غیرنقدین (غیر طلا و نقره)، در نتیجه، فروش بعضی آن به‌زیاده مشمول حکم ربا نبوده، همچنین نیازی به تحقق تسلیم و تسلّم آن در محل عقد نمی‌باشد، مورد پذیرش قرار می‌دهد. خمینی، سید روح‌الله موسوی، توضیح المسائل (المحشی)، ج ۳، چ ۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۴، ص ۸۴۰.

می‌کرد. مثلاً حنفی‌ها باور داشتند، چنانچه سکه‌های درهم و دینار دارای خلوص بیش از پنجاه درصد باشند، برای رفع غرر و صحت عقد، باید نوع و میزان آن به‌درستی تعیین شود؛ اما چنانچه این میزان کمتر از پنجاه درصد باشد، بر بنیاد شمارش و ارزش عددی جابه‌جا شده، در نتیجه، می‌توان از سدّ غرر با مسامحه و به‌آرامی گذر کرد.^۱

باری، استفاده از کالاهای دارای ارزش ذاتی، مانند طلا و نقره و در نظر گرفتن ارزش عددی متفاوت برای آنان از یک سو و تغییر نسبت این دو ارزش در برابر هم، از سوی دیگر، همواره در طول تاریخ بحران‌ساز بوده است. به‌گونه‌ای که هرگاه ارزش طلا و نقره نسبت به ارزش عددی سکه‌هایی که طلا و نقره در آنها استفاده می‌شد، افزایش پیدا می‌کرد، این انگیزه را برای مردمان ایجاد می‌نمود که با آب‌نمودن آن سکه‌ها و فروش میزان طلا و نقره موجود در آنها، سود بیشتری کسب کنند. ایجاد شیارهایی گرد سکه‌ها، به‌عنوان مانعی در برابر چنین عملی بوده که تا دوران کنونی نیز به یادگار باقی مانده است. یکی از مهم‌ترین این آشفتگی‌ها در دهه آخر سده هفدهم میلادی و در دوران حیات جان لاک رخ داد؛ در آن هنگام، انگلستان، آشفتگی پولی بی‌سابقه‌ای را تحمل می‌کرد؛ طلا با کاهش و نقره با افزایش قیمت روبه‌رو بود؛ هر شیلینگ انگلستان یک‌چهارم اُنس نقره داشت و هر اُنس نقره در کشور دیگری مانند فرانسه پنج شیلینگ انگلستان خریداری می‌شد. بدین‌سان، اگر کسی چهار سکه شیلینگ نقره را آب می‌کرد، یک اُنس نقره خام به‌دست می‌آورد و چنانچه آن را به فرانسه می‌برد و می‌فروخت، یک شیلینگ انگلستان سود می‌کرد.^۲

نخستین تلاش‌ها برای استفاده از پول کاغذی را مغولان در سال ۱۲۹۴ هجری قمری انجام داد که با گذشت دو ماه به شکست انجامید. پس از آن، کاربست اسکناس‌ها تا قرن نوزدهم میلادی پس افکنده شد. در این هنگام، نخستین اسکناس‌ها با پشتوانه طلا منتشر شد.^۳ تا هنگامی که این اسکناس‌ها نمایندگانی برای وصول میزان مشخصی طلا و نقره نزد دولت یا بانک نگهدارنده آن بودند، این دیدگاه خود را با چالشی بنیادین روبه‌رو نمی‌دید؛ اما پس از آنکه

1. Oberauer, N. "Money in Classic Islam: Legal Theory and Economic Practice", *Islamic Law and Society*, Vol. 25, No. 4, 2018, pp 3-25.

2. Brynjarsdottir, E. M. *The Reality of Money, The Metaphysics of Financial Value*, New York: Rowman & Littlefield International, 2018, p 32.

3. Siegfried, N. A. "Concept of Money in Islamic Legal Thought", *Islamic Economic Study*, Vol. 16, No. 4, 2001, p 4.

معیار طلا در کشورهای گوناگون یکی پس از دیگری منسوخ شده و بانک‌های مرکزی دیگر هیچ تکلیفی به تسلیم طلا به میزان اسکناس‌های موجود در دست مردم نداشته، حتی نسبت به نگهداری هیچ میزانی طلا به عنوان پشتوانه پول نیز خود را متعهد نمی‌دیدند^۱ و اسکناس‌ها وابستگی خود را به هر پشتوانه مادی، اعم از طلا و نقره، از دست دادند، آخرین میخ نیز بر تابوت دیدگاه ارزش ذاتی کوبیده و راه برای نظریه پردازان ارزشمندی اعتباری پول هموار شد.

۲. دیدگاه ارزش اعتباری^۲

نظریه اعتباری پول گرچه می‌تواند تا افلاطون نیز به عقب رود، اما در سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۲۴، یعنی درست همان سال‌هایی که معیار طلا به آرامی رخت برمی‌بست، ازسوی جورج نپ،^۳ نگارنده کتاب «نظریه دولتی بودن پول» ارائه شد. آلفرد این^۴ نیز یکی دیگر از بنام‌ترین نظریه‌پردازان این دیدگاه بوده که در مقاله «پول چیست»، پول را به صورت یک «بدهی» معرفی کرد. این دیدگاه بر حقوق دانان بزرگی چون، فرانسیس من^۵ نیز تأثیر بسزایی گذاشت.^۶ بر بنیاد این نظرگاه، دولت در معنای عام و چگونگی عملکرد آن نقشی مهم در آفرینش پول دارد. روشن است چنین دیدگاهی، گرچه همچنان گرد کارکردهای ابزار پرداخت و نگهداری ارزش پول می‌چرخد، به نقش سنجش‌گری آن نیز بی‌توجه نیست. پس از گسترش اسکناس‌های بدون پشتوانه، این دیدگاه در میان اندیشمندان اسلامی نیز با ادبیات خاص آنان نفوذ چشمگیری پیدا کرد.^۷ آنان نیز چنین پولی را طلبی مستقر بر ذمه سلطان ضرب‌کننده آن پنداشتند. ذمه را که شاید

1. Chung, J. J. *Op.cit*, p 43.

۲. دیدگاه اعتباری (Credit Theory)، با تعابیر دیگری همچون چارتالیسم (Chartalism) نیز تبیین می‌گردد. چارتالیسم از واژه چارتا (Charta)، به معنی بلیط و نشانه اخذ شده است؛ چه در این دیدگاه، پول را نماینده و نشانگر ارزش می‌پنداشتند. برخی نیز از واژه پول فیات (Fiat Money) یا دستوری استفاده کرده‌اند؛ چراکه گمان می‌برند این پول‌ها به حکم و دستور قانون‌گذار ایجاد گردیده است.

Brynjarsdottir, E. M. *Op. Cit*, p 13.

3. George Friedrich Knapp

4. Alfred Mitchell-Innes

5. Francis Mann

6. Fox, David. "The Legal Value of Money", *Edinburgh Student Law Review*, Vol. 3, No. 4, 2019: p 2.

۷. پس از ایجاد پول کاغذی در نظام اسلامی، نظریات مختلفی مطرح شد. نخستین دیدگاه توسط دانشمندان دانشگاه الازهر مصر ارائه شد. بر بنیاد این نظرگاه اسکناس‌ها سند بدهی بوده که با پشتوانه طلا و نقره موقوف گردیده‌اند. با این همه، این نگرش خود مشکلات دیگری را به وجود می‌آورد؛ بیع صرف را با مشکل «بیع دین به»

معادل قابل انطباقی در حقوق غرب نداشته باشد، به وعائی^۱ اعتباری که برای قرارگیری التزامات مفروض شده است، تعریف کرده‌اند؛ التزاماتی که گرچه همگی جزء امور معنوی‌اند، متعلق آنها می‌تواند امری مادی یا معنوی باشد.^۲ به بیانی بهتر، ذمه همان ظرفی است که بسان دریایی بی‌کران می‌تواند دیون اشخاص را در خود جای دهد.

وانگهی، این طلب در نظر پیروان این نگرش، با سایر طلب‌ها تفاوت‌هایی بنیادین دارد. نخستین ناهمسانی در بدهکار این طلب است؛ زیرا باوجود آنکه از اساس، ذمه را به مثابه ظرفی اعتباری، حدی نیست و این قابلیت را برای هر شخصی ایجاد کرده تا هر مظلوفی، هرچند دینی بسیار گزاف را، در خود جای دهد؛ اما قبول هر دینی، از سوی هر شخصی مورد پذیرش عموم قرار نمی‌گیرد؛ چراکه متعارف اشخاص برای پذیرش دین از جانب دیگران، تنها به این قابلیت اعتباری ننگریسته، برای اعتماد در پذیرش دیون افراد، به اموال مادی و موجود وی، به عنوان وثیقه عمومی دیونش می‌نگرند. باری، این تضمین در طلبی به نام پول، ماهیتی ویژه به خود گرفته، قدرت اقتصادی و توان تولیدی دولت یا بانک، به عنوان بدهکاران قدرتمند^۳ این بدهی، ضامن وصول آن می‌گردد. بنابراین، در تحلیلی ژرف‌تر باید گفت: «بانک پول را از هیچ به وجود نمی‌آورد؛ [بلکه] دیگر گونه‌های دارایی را به پول تبدیل می‌نماید. حتی کیمیاگران قرون وسطی نیز امیدی به ایجاد طلا از هیچ نداشتند [و] غایت امید آنها تبدیل سُرَب به طلا بود. نیروی بانک به حدی نیست که بتواند ماده بی‌ارزشی را به یک شیء با ارزش بدل کند؛ بلکه، آن تنها می‌تواند یک دارایی ایستا را به مالی پویا و روان، به نام پول، دگرگون سازد.»^۴ مراد از دیگر اشکال دارایی

→ «دین» مواجه کرده، بیع سَلَف را به جهت فی‌الحال نبودن تسلیم پول، و تسلیم یک سند بدهی، در معرض بطلان قرار می‌داد. دیدگاه دیگر، مشابه نظریه پیشین، بی‌آنکه این سند را نوعی دین محسوب کند، از اساس آن را رسید طلا و نقره می‌دانست، نه دینی که با طلا و نقره توثیق شده‌است. دشواری عملی این دیدگاه این بود که بانک‌ها باید به میزان تمامی این رسیده‌ها طلا و نقره برای خود پس‌انداز می‌نمودند. گرچه مشکل بیع دین به دین برطرف می‌شد، اما همچنان، ربای معاملی در آن راه می‌یافت. دیدگاه سوم، پول کاغذی را همانند فلوس در اقتصاد سنتی اسلامی که نه بر مبنای وزن (ارزش ذاتی)، بلکه حسب شمارش (ارزش عرفی) مورد مبادله قرار می‌گرفتند، می‌دانست.

Siegfried, N. A. *Op.cit*, pp 8-10.

۱. ظرف

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، الفارق (دائرةالمعارف عمومی حقوق)، ج ۳، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۵، ص ۳۹.

3. Strong debtor

4. Crowther, G. *An Outline of Money*, London: Thomas Nelson and Sons, 1946, p 47.

را باید همان قدرت و توان اقتصادی بدهکار در بازپرداخت بدهی، به‌عنوان یک مال (پول) آینده که دولت یا بانک آن را به پول حال بدل می‌سازد، دانست.

ناهمسانی دیگر در نحوه وصول این طلب عمومی است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هر طلبی، قابلیت وصول آن است. به عبارت دیگر، کمال مطلوب هر حقی آن است که به نفع صاحبش اجرا شود؛ در غیر این صورت، وجود حقی، بدون ضمانت‌اجرائی مناسب برای اعمال آن، بی‌فایده نموده، حق بی‌امکان اعمال را با بی‌حقی یکسان می‌سازد. حال آنکه سکه و اسکناس امروزی، طلبی بدون قابلیت وصول، یا با قابلیت وصولی بی‌ضمانت‌اجرا می‌باشند. برای توجیه طلب بودن پول برخی دست به دامن مالیات‌ستانی دولت‌ها گردیده‌اند. به این صورت که پول سند بدهی عمومی از سوی دولت است که در اختیار شهروندان قرار گرفته و اشخاص با دریافت پول، به نوعی از دولت بستانکار می‌گردند؛ در برابر، عموم شهروندان دست‌کم به‌هنگام وصول مالیات یا جریمه‌های مالی، بدهکار دولت گردیده، در نهایت دولت با دریافت پول (طلب خود) از دست شهروندانش، این بدهی را با طلب آنان از خود، تهاتر و تسویه می‌نماید.^۱ اما این تحلیل، به هیچ‌عنوان با دیگر طلب‌ها و نحوه وصول آنها قابل قیاس نیست. از این‌رو، طلب بودن پول، استقرار آن بر ذمه و سرانجام قابلیت وصول این بدهی تنها فرضی و نظری است. به گونه‌ای که از پول، به طلبی غیرقابل وصول^۲ یاد می‌شود.^۳ با باریک‌بینی بیشتر، چه‌بسا پول بانکی نیز غیرقابل وصول به‌شمار آید؛ زیرا در صورت مراجعه به بانک، پول دیگری (اسکناس) به شخص تسلیم می‌شود، نه همان پول (پول بانکی)؛ چه پول بانکی به‌عنوان مفهومی یکسره مجرد، از اساس قابل تسلیم نیست. از این گذشته، شخص با دریافت اسکناس از بانک، دیگر امکانی برای وصول آن نخواهد داشت. ایده قطع چرخه وصول پول، به عصر جدید محدود نگردیده، حتی در قرون وسطی نیز، راه‌بین یا یکی از مقامات مذهبی به گونه‌ای با امضاء یا انتشار سکه‌های دولتی، بدان‌ها اعتبار بخشیده، با معرفی خداوند به‌عنوان آخرین بدهکار این دین، بر عدم امکان عملی وصول آن پافشاری می‌نمود.^۴

1. Innes, A. M. "Credit Theory of Money", *The Banking Law Journal*, Vol. 31, No. 2, 1914: p 29.

2. Non-redemmmable

3. Rahmatian, A. *Credit and Creed: A Critical Legal Theory of Money*, 1sted. New York: Routledge, 2020, p 63.

4. Naismith, R. *Turpe lucrum? Wealth, Money and Coinage in the Millenial Church*, in: Giles E. M. Gasper and Svein H. Gullbekk (eds.), *Money and the Church in the Medieval Europe, 1000-1200*, Farnham and Surrey, Ashgate, Oxfordshire: Routledge, 2015, pp 31-33.

باوجود این، می‌دانیم مال، جز ارزشی که عموم مردم به چیزی می‌بخشند، نیست.^۱ نتیجه آنکه پول هیچ‌گاه به امر و حکم قانون‌گذار ایجاد نخواهد گردید. به بیان دیگر، هیچ‌گاه قانون‌گذار توان مالیت‌بخشیدن به یک شیء فاقد ارزش را نخواهد داشت؛ زیرا «جعل تألیفی تنها در موردی متصور است که آن مورد، اتصاف یک شیء، به یک امر عرضی ممکن‌الانفکاک باشد. در امور غیرقابل انفکاک خواه خارج از ذات و خواه غیرخارج از ذات، جعل متصور نیست.»^۲ بنابراین، نمی‌توان ذاتی را برای یک ذات جعل نمود؛ در پول نیز که مالیت یافتن، تمام هستی و به عبارت فنی، حیثیت تقییدیه آن است، هیچ‌گاه حکم قانون‌گذار به‌تنهایی تعیین‌کننده نخواهد بود؛^۳ باری، چگونه می‌توان تمام ذات و هستی یک شیء را به‌موجب فرمانی قانونی، یک‌شبه به چیزی بخشید و روزی دیگر از آن باز ستاند. اگرچه اعتبار «اعطای حدّ چیزی به شیء دیگری که این حد را ندارد»، بوده^۴ و از سوی دیگر، «الأمر فی الاعتبار سهل»، اما میان این دو جهان نیز باید نسبتی از تناسب برقرار باشد. بدین‌سان، اغلب نظریاتی که امروزه، پیرامون اعتباری بودن پول بیان می‌گردد، در نهایت به قرائت یا بیانی دیگر از نظرگاه چار탈یزم باز می‌گردد.^۵ این درحالی

۱. المال ما يُرَغَب فيه العقلاء.

۲. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار شهید مطهری**، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۱، ص ۳۴۰.

۳. هاشمی‌شاهرودی، سید محمود، «احکام فقهی کاهش ارزش پول»، **دادرسی**، ش ۱۶، ۱۳۷۸، ص ۶.

۴. طباطبائی، سید محمدحسین، **اصول فلسفه و روش رئالیسم (با پاورقی شهید مرتضی مطهری)**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا، صص ۲۹۳-۲۸۱.

۵. به‌طور نمونه، آیت‌الله خوئی در مقام پذیرش مالیت اعتباری پول معتقد است، هریک از دولت‌ها نسبت به پول‌های کاغذی خود ارزشی اعتبار کرده که در تمام مملکت مورد قبول است. **الخوئی**، سید ابوالقاسم، **توضیح المسائل**، تهران: انتشارات ایران، ۱۳۷۰، ص ۴۹۷؛ همچنین آیت‌الله بجنوردی نیز با دیدگاهی مشابه بیان می‌دارد، پول آن چیزی است که به وسیله مرجعی معتبر همچون قانون‌گذار مالیت و ارزش یافته‌است. بجنوردی، سید محمد حسن، **القواعد الفقهیه**، قم: نشر الهادی، ۱۴۱۹، ص ۳۰؛ مرحوم امام نیز در این خصوص دیدگاهی مشابه دارند. خمینی، سید روح‌الله، **تحریر الوسیله**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۳۰؛ در برابر، پاره‌ای وصف اعتباری بودن پول را به‌گونه بهتری تبیین نموده، ارزش آن را به جعل عموم و نه انشاء قانون‌گذار مستند ساخته‌اند؛ حجت‌الاسلام یوسفی در این ارتباط بیان می‌دارد: «عقلاء با اعتبار ارزش مبادله‌ای برای کاغذپاره‌ای که صرف‌نظر از آن اعتبار، هیچ‌گونه ارزش مبادله‌ای نداشت، تمام جنبه‌های خصوصی آن را الغاء کردند [...] عرف و عقلاء فقط آن ارزش مبادله‌ای را به‌عنوان معیار سنجش سایر ارزش‌های اقتصادی اعتبار کرده‌اند؛ ولی، مقدار ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید در هر زمانی، چه در پول کاغذی و چه در پول غیر کاغذی، تابع قرارداد عرف و عقلاء نمی‌باشد؛ بلکه حجم کالاها و خدمات قابل مبادله به‌وسیله پول در جامعه می‌باشد». یوسفی، احمدعلی، **ماهیت پول**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۴۸.

است که هرگز موجودیت این نهاد دیرینه اجتماعی به فرمان قانون‌گذار محدود نمی‌گردد. دولت تنها می‌تواند این پذیرش عمومی را شتاب بخشیده یا در برابر آن مانعی ایجاد نماید، اما هیچ‌گاه نمی‌تواند خود رأساً اقدامی نماید. در این میان، نقش دولت تنها برتری بخشیدن به یکی از اقسام پول مورد پذیرش عمومی در قالب پول رسمی و اعطای پاره‌ای امتیازات بدان است.

۳. دیدگاه ارزش انتزاعی

در این دیدگاه اعتقاد بر آن است که پول به‌عنوان نهادی اجتماعی مورد شناسایی قانون‌گذار قرار گرفته است؛ نه اینکه به‌کل معلول حکمی قانونی بوده، قانونگذار آن را با فرمانی لحظه‌ای آفریده باشد. آری، قانون‌گذار می‌تواند آثاری را بر این نهاد بار کرده، پذیرش نوعی ویژه از آن را بر بستنکاران و ا دارد، اما این امر هرگز به‌معنی ارزش‌بخشی که در مورد پول معنایی جز هستی‌بخشی ندارد، نخواهد بود. از این گذشته، ایجاد و گسترش پول، بی‌آنکه به هیچ دستاورد یا کشف مهمی وابسته باشد، پس از پیش‌آمد یک انقلاب ذهنی مطلق^۱ که تنها در پنداشت گروهی انسان‌ها وجود داشته، پا گرفته است.^۲ این امر، بیش‌ازپیش با مفهوم پول بانکی خود را نشان می‌دهد؛ چه امروزه باوجود آنکه مجموع پول دنیا، حدود ۶۰ تریلیون دلار است، مجموع سکه‌ها و اسکناس‌ها تنها ۶ تریلیون دلار است. به‌عبارتی، بیش از نود درصد تمام پول دنیا، تنها بر روی سرورهای رایانه‌ای در حساب‌های بانکی موجود بوده؛ این خود نشان‌گر ماهیت رمزآلود پول است. در پاسخ به چرایی اینکه افراد در قبال ساعت‌ها کار یا در مقابل دارایی‌های باارزش خود، تنها چند تکه کاغذ رنگی دریافت می‌کنند، تنها و تنها یک جواب وجود داشته و آن «اعتماد» است. اعتمادی از جنس ایمان شبه‌مذهبی.^۳

1. Inter-Subject

2. General acceptance

۳. لاک باور داشت، اگر کسی در طلا و نقره موجود در پول دست می‌برد، بدان معنی نیست که تنها دزدی می‌کند؛ بلکه دارد به کشور خیانت می‌کند. او گرچه در بحث از جرائم مذهبی سهل‌گیر بود، اما چنین افرادی را حتی از ارتش فرانسه برای انگلستان خطرناک‌تر می‌دید؛ چراکه آنان مشغول دزدی بودند، دزدی ایمان مردم؛ از این‌رو، جزای آنان چیزی جز مرگ نیست. Caffentiz, G. *Op. cit.*, pp. 48-49. واژه اعتبار (Credit) نیز از ریشه «Credim» اخذ شده است. «Credere» به‌معنی اعتقاد است؛ حتی چیزی بیش از اعتقاد و به‌معنی ایمان. در نتیجه، همانند بدهی رنگ و بوی مذهبی دارد، با این تفاوت که ریشه عاطفی و قلبی آن بیش‌تر است. Douglas, A. X. *The Philosophy of Debt*, New York: Routledge, 2016, p 21.

افراد هنگامی دست به انجام چنین عملی می‌زنند که به ساخته‌وپرداخته تصورات مشترکشان اعتماد داشته باشند. اعتماد، همان سنگ‌بنایی‌ست که از هیچ، همه می‌سازد. پول نظامی زنجیره‌وار از اعتمادهای متقابل است. این اعتماد پس از گذران یک شبکه پیچیده از روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاصل می‌گردد. آدمی، به پول، به آن دلیل که تمامی نزدیکان، مجاورانش و حتی مردمان دور دست اعتقاد دارند، ایمان پیدا می‌کند. او به پول اعتقاد دارد؛ چراکه پادشاهان نیز بدان معتقدند. در یک اسکنااس یک‌دلاری امضای وزیر خزانه‌داری آمریکا و سخن «خدا را باور داریم» نقش بسته است. دیگران نیز آن را می‌پذیرند، چون به خدا و ای‌سا وزیر خزانه‌داری آمریکا اعتماد دارند. به‌هنگام ابداع نخستین نمونه‌های پولی، مردم به این اعتماد نرسیده بودند، پس ناگزیر می‌بایست پول از چیزهایی که خود نیز ارزش ذاتی داشته باشد، ساخته می‌شد.^۱ امپراتوران به‌طور دامنگیری، به‌ویژه در پهنه شرق امپراتوری روم، به‌عنوان خدایان درنظرگرفته شده، نقش چهره آنان بر روی سکه‌ها، به‌عنوان وسیله‌ای مذهبی، به یک پیام سیاسی بدل گردیده بود.^۲ تیپورس در دوران فرمانروایی خود سه نوع دیناریوس منتشر کرد؛ فراگیرترین آنها که در یک طرفش چهره او بود، با رشته طلا و نشانه الهی تزئین شده، روی دیگر آن نوشته بود، امپراتور تیبریوس همایونی پسر پرودگار بزرگ.^۳

رفته‌رفته که این باور حاصل گردید، پرده‌ها برافتاد و ماهیت واقعی پول، که نوعی اعتقاد و ایمان حاصل از وهم است، بیش‌ازپیش آشکار شد. اینک، می‌توان منصف بود، به پول از دریچه دیگری نگریست و بیان داشت، پول حاصل توهم و فریب نیست، بلکه نتیجه ارج‌نهادن به قدرت تخیل بشر است. اندیشه پیشرفت، سبب افزایش اعتماد به آینده گردیده، این اعتماد، اعتبار را

۱. هراری، یووال نوح. پول، مترجم: نمازیان، مهدی، تهران: نشر نون، ۱۳۹۸، صص ۳۴-۲۱.

۲. برای ایجاد نهادهای اجتماعی از تأثیر تشریفات در ایجاد آنها هم نمی‌توان به‌راحتی گذر کرد. به‌طور مثال، برای ایجاد نهاد خانواده، عبارات و صیغه‌های خاصی به‌کار برده می‌شود؛ هیچ‌گاه شخص در جواب عاقد که از او می‌پرسد آیا بنده و کیلم؟ نمی‌گوید با کمال میل! در نتیجه، انتشار پول از سوی دولت، یا اندراج عبارات مذهبی در آن، همگی تشریفات خاص با کمک‌گرفتن از دو نهاد اجتماعی دیگر، یعنی دولت و دین، برای ایجاد ماهیت رمزآلود پول، جهت ایجاد توهم لازم برای پذیرش عمومی آن است.

Condello, A. Ferraris, M. Rogers Searle, J. *Money, Social Ontology and Law*, Oxfordshire: Routledge, 2019, pp 10-21, 50-64.

۳. نورث، گری. مترجم: فائزی، سید مجتبی، پول راستین، طرح کتاب مقدس برای پول و بانکداری، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۸، صص ۱۱۰-۹۳.

ایجاد ساخته و این اعتبار اقتصاد را از رکود نجات داده، آن را در عرض چندین سال به اندازه تمام طول تاریخ بشر شکوفا ساخته است. ادامه این چرخه، هربار اعتماد را راسخ‌تر و آن را با ایمانی محکم‌تر جانشین ایمان پیشین می‌سازد. از همین‌روی، در اعصار گونه‌گون، بسیاری برای پول وصف خدایی قائل بوده‌اند.^۱ با این تفاوت که اعتقاد آدمی به خدا، ایمانی فردی است؛ درحالی‌که انسان تنها هنگامی به پول ایمان پیدا کرده که بداند دیگران نیز بدان معتقدند. از این‌روی، انسان‌های کره خاکی با عقاید و فرهنگ‌های گونه‌گون، همگی به پول ایمان داشته، آن چیزی را که باور کنند پول است، پول می‌دانند. هنگامی که اشخاص باور خود را به سپرده‌هایشان از دست دهند، دیگر به آن به چشم پول ننگریسته، آن را به اسکناس بدل خواهند کرد و هرگاه این اعتقاد را نسبت به اسکناس نیز از دست دهند، آن را به طلا تبدیل می‌کنند. شگفتا که پول در تمام این مراحل همان پول است؛ همان باور مردم.

میلتون فریدمن و همسرش، رز فریدمن^۲ نیز پول را حاصل توافق و قبول گروهی انسان‌ها می‌دانند، الکساندر روزنبرگ^۳ اما این پذیرش جمعی را به‌طور ناخودآگاه می‌بیند. یعنی آدمیان هیچ‌گاه در کنار یکدیگر عالماً و عامداً جمع نشده تا چیزی را پول در نظر آورند، بلکه به‌مرور و به‌صورت ناخودآگاه آن را به‌عنوان پول پذیرفته‌اند. درست همان‌گونه که زبان در میان ما شکل گرفته است.^۴ پول نوعی قرارداد اجتماعی و به‌گفته هیوم یکی از سه نهاد خودانگیخته اجتماعی در عرض زبان و قانون بوده، بنای آن بر ناخودآگاهی پنهان در ضمیر آدمیان است. این می‌تواند نشان‌دهنده شکنندگی زیاد این نظام اجتماعی نیز باشد. اینک، هرگاه ترس، همچون آگاهی ناگهانی، بر ناخودآگاه ما چیره گردیده و همگی پول‌هایمان را از بانک خارج کنیم، چه می‌شود؟^۵ ممکن است گفته شود، کافی است در اینجا بانک مرکزی اعلام کند، به هر میزان لازم باشد، پول چاپ کرده و در اختیار بانک‌ها قرار می‌دهد. صرف همین اعلام، اعتمادساز بوده و ایمان از دست‌رفته ما را باز می‌گرداند. اما، اگر زمانی از خواب برخاسته و دیدیم، دیگر کسی به

1. Von Hagen, J. Welker, M. *Money as God? The Monetization of the Market and its Impact on Religion, Politics, Law, and Ethics*, Cambridge: Cambridge University Press, 2014, p 1.

2. Milton & Rose Friedman

3. Alexander Rosenberg

4. Douglas, A. X. *Op.cit*, pp 67-70.

5. Bank run

اسکناس‌های بانک مرکزی هم ایمان ندارد، چه می‌شود؟^۱ نشدنی نیست، اما بعید است چنین اتفاقی بیوفتد. مانند کایوت در انیمیشن میگ‌میگ که هرگاه می‌خواست از دره سقوط کند، پایین را می‌دید، چیزی در زیر خود مشاهد نمی‌کرد، باین‌حال سقوط هم نمی‌گرد.^۲ اثر افسانه‌ای پول چیزی مانند همین، بر خیال و اوهام استوار است و چه‌بسا هیچ‌گاه این وهم پول‌دین درهم نخواهد شکست.

با در کنار هم قراردادن این ویژگی‌های گونه‌گون دریافت می‌شود مراد از ایمان نیز اعتقادی جمعی است؛ این وصف است که چهره اجتماعی پول را نمایان ساخته، نشان می‌دهد، تا چه اندازه یک پول پدیده‌ای اجتماعی است. هرگاه عموم مردم به چیزی وصف پولی دهند، نظام حقوقی نیز ناگزیر از پی آن آمده، خود را با تمام اوصافش بر آن اعمال خواهد نمود. هرگاه نظام قانون‌گذاری، به هردلیلی به چنین امری تن نداده و تنها به پول رسمی خود، امتیاز تحمیل‌شدن به بستانکاران را اعطا نماید، هیچ‌گاه چنین محدودیتی زایل‌کننده وصف پول، از دیگر مصادیق غیررسمی پول نخواهد بود. عنصر اعتماد که رنگ و بویی از ایمان به خود می‌گیرد، تنها بن‌مایه اقتصاد پولی نیست؛ بلکه از ریشه تمام اقتصاد بدان وابسته است؛ اگر کشاورز اعتماد نداشت که امسال نیز زمینش به او محصول می‌دهد، هیچ‌گاه دانه را در آن نمی‌کاشت و یک‌سال هزینه و وقت خود را مصروف آن نمی‌ساخت؛ اگر تاجر نمی‌پنداشت که عموم مردم کالای او را خواهند خرید، از نو اقدام به واردات آن نمی‌نمود.

در نقطه مقابل دیدگاه‌های یادشده، کارل منگر،^۳ مؤسس مکتب اتریشی اقتصاد، معتقد بود، همه آن چیزی که برای پول شدن یک چیز کافی است این است که من بدانم دیگری آن را در معاوضه از من خواهد پذیرفت. چنین امری نیازی به توافق خیل کثیری از انسان‌ها ندارد. بدین‌سان، او با دیدگاه‌های نهادی و توافق جمعی کسانی چون جان سیرل،^۴ هم‌دل نبود. منگر در تأیید دیدگاه خود بیان می‌داشت، در جهانی که همه مردم آن بر روی پول بودن صدف توافق کرده‌اند، هیچ‌کس نمی‌تواند مانع معامله دو نفری که در یک جزیره دورافتاده نارگیل را در روابط

۱. لونگرن، اریک، پول، مترجم: علی‌قیان، احد، تهران: نشر نو، ۱۳۹۹، صص ۱۲-۲.

۲. گلدستاین، جیکوب، پول؛ داستان واقعی یک چیز الکی، مترجم: راستی، میلاد، تهران: راه پرداخت، ۱۴۰۰، صص ۳۸-۱۰.

3. Carl Menger

4. John Searl

خود، به‌عنوان پول پذیرفته‌اند، گردد. یعنی هر شخص به‌طور فردی در روابطش انگیزه کافی برای پذیرش پول دارد و نیازی به حصول یک توافق همه‌شمول جمعی نیست.^۱ به دیگر سخن، او باور داشت، نباید مباحث ماهیت‌شناسانه راجع به پول بودن/نبودن را با بحث‌های هنجاری خوب بودن/نبودن یک پول خلط نمود. بی‌گمان هرپولی توسط تعداد بیشتری از انسان‌ها شناسایی شود، بهتر از پس و ظایفش برآمده، پول خوب‌تری خواهد بود؛ اما، اینکه پولی به‌خوبی پول دیگری نمی‌تواند عمل کند، به معنی پول نبودن آن نیست. بی‌گمان اگر مقصودمان این باشد که همه انسان‌ها چیزی را به‌عنوان پول بپذیرند، هیچ پولی در جهان وجود نخواهد داشت. بسیاری از پول‌های جهان را اگر ببینیم هم نخواهیم شناخت و ای‌سا هرگز آن را در هیچ معامله‌ای قبول نخواهیم کرد، اما این امر چیزی از پول بودنشان کم نمی‌کند.

بنابراین، او معتقد بود برای اینکه امری به‌عنوان پول پذیرفته شود، باید در مبادله مورد پذیرش قرار گیرد و برای آن مبادله وجود دو اراده کافی است. اراده این دو نفر نیز با قصد جمعی، متفاوت است. در یک جامعه ممکن است هریک از افراد آن به دلایل و انگیزه‌های گوناگون امری را پول برشمردند. هرگاه آنچنان در انتزاع راجع به پول غرق شویم، رفته‌رفته به این نتیجه نیز خواهیم رسید که گرچه برای ابزار مبادله قلمدادکردن پول به دو اراده نیاز است، اما برای سنجش‌گری‌اش، وجود یک اراده هم بس است. حتی می‌توان از این نیز فراتر رفت و بیان داشت، بی‌آنکه قصد انسان برای پول برشمردن چیزی لازم باشد، تنها انگیزه وی برای چنین امری کافی خواهد بود. به‌زبان دیگر، پول بیش از آنکه حاصل اراده جمعی انسان‌ها باشد، حاصل انگیزه فردی آنان است. در همان مثال جزیره دورافتاده، چنانچه شخصی متوجه شود که دیگری نارگیل را پول برمی‌شمرد، هرچند خودش چنین اعتقادی نداشته، در دل خود نیز بدان شخص با طعن و ریشخند نظر کند، اما انگیزه کافی برای جمع‌کردن نارگیل و پول برشمردن آن خواهد داشت؛ چراکه بی‌گمان نارگیل‌ها در معاملات با آن شخص به‌کارش خواهند آمد. امتداد این دیدگاه بدان جا می‌رسد که هر زن و شوهری در منزل می‌توانند پولی خلق کنند. با این همه، نمی‌توان چنین ابتکاراتی را پول دانست؛ آنچه ما در این مثال‌ها با آن روبه‌رو هستیم، نمونه‌ای از معاوضه‌های پیشرفته است. در یک جامعه با تعداد بازیگران بسیار، تنها این امر که یک شخص نارگیل را

1. Brynjarsdottir, E. M. *Op.cit*, pp 18-20.

به‌عنوان پول می‌پذیرد، انگیزه کافی برای پول دانستن آن در ما برنمی‌انگیزد. در این حالت، چیزی سبب ایجاد انگیزه می‌گردد که دست‌کم از سوی تعدادی از افراد جامعه پذیرفته شده باشد.^۱

در نتیجه، دیدگاه منگر گرچه از این حیث که انگیزه و نه قصد انسان‌ها را برای پول برشمردن کافی می‌داند، صحیح است؛ اما از لحاظ تعداد افراد سخت در اشتباه است. اینک، پرسشی که در اینجا مطرح می‌گردد آن است که چه چیزی باید متعلق قصد یا به‌عبارت بهتر انگیزه انسان‌ها در پذیرش چیزی به‌عنوان پول قرار گیرد؟ آن چیزی که باید متعلق انگیزه جمعی اشخاص قرار گیرد آن است که آنان وضعیت کارکردی پول^۲ را به یک چیز اعطا کنند. ما در جامعه، به یک شخص یا شیء وضعیتی را بخشیده که پس از آن به واسطه آن وضعیت می‌تواند کارکردی داشته باشد. این پذیرش لزوماً به این معنی نیست که تمامی اعضای جامعه از آن خوشنودند. بلکه در بسیاری موارد وضعیت به‌گونه‌ای است که چاره‌ای جز آن پذیرش ندارند؛ گرچه بی‌گمان انگیزه کافی برای آن خواهند داشت. برای نمونه، هرگاه یک شخص در وضعیت رئیس‌جمهور قرار می‌گیرد، پس از آن کارکردهای یک رئیس‌جمهور را خواهد داشت. حال، ممکن است ما با بسیاری از تصمیم‌های وی موافق نباشیم، اما آن را اجرا می‌کنیم. اینکه پول می‌تواند چنین کارکردهایی را داشته باشد، به دلیل وضعیت پیشینی است که ما بدان بخشیده‌ایم، نه ویژگی ذاتی در آن، که به واسطه آن بتواند از پس این کارکردها برآید. مثلاً، ممکن است در طول زمان چیزی از پرچین‌های دور یک خانه قدیمی باقی نمانده باشد و به‌آسانی بتوان از آن عبور کرد؛ اما همچنان این پرچین‌های نصف‌ونیمه به‌عنوان مرز شناخته می‌شود؛ به بیانی، این پرچین‌ها به سبب ویژگی ذاتی خود، در عمل مانع عبور و مرور کسی نمی‌گردند، اما از بابت وضعیتی که ما بدان بخشیده‌ایم، چنین کارکردی خواهند داشت.^۳ انسان هنگامی که سکه‌های باستانی را می‌بیند، آنان را پول خطاب می‌کند؛ اما زمانی که یک صدف را مشاهده می‌کند، آن را پول نمی‌پندارد؛ گرچه آن صدف نیز روزگاری پول محسوب می‌شده است. با این همه، او درباره هیچ‌یک از این دو مورد اعتقاد ندارد که می‌توانند در جامعه امروزی نقش پول را ایفا کنند؛ پس هیچ‌کدام از آن دو پول نخواهند بود.

1. Dick, D. G. "How Many People Does It Take to Make a Dollar", Sandberg, Joakim, Warenski, Lisa. *The Philosophy of Money & Finance*, Oxford: Oxford University Press. 2024, pp 54-68.

2. Status Function

3. Brynjarsdottir, E. M. *Op.cit*, pp 15-18.

سرانجام، صرف پول دانستن یک چیز کافی نیست، بلکه باید انگیزه جمعی برای آن داشته باشیم که چیزی را در وضعیت کارکردی پول ببینیم.^۱

۴. دیدگاه ارزش آمیخته

در کندوکاو ماهیت پول، دیدگاه‌های مختلفی که هرکدام حسب نوع و شیوه استفاده از پول در دوران خود، تا حدودی روشن‌گر این مفهوم فراواقعی^۲ بودند، ابراز گردید. فراواقعی به این معنی که پول دارای مفهومی در مرز واقعیت و مجاز بوده، درعین حال از هیچ کدام بی نیاز نیست.^۳ به راستی، پول به عنوان یک مخلوق اجتماعی، برای پیش برد کارکردهای انسان آفریده شده است. پاره‌ای از این کارکردها، همانند ابزار سنجش ارزش، بدون هیچ نیازی به نمایندگی خارجی، پیوسته امکان عمل داشته‌اند. تا کنون هیچ کس یک کیلوگرم را لمس نکرده، اما وزنه‌های یک کیلوگرمی در جهان بی شمارند؛ همچنان که یک دقیقه دیده نشده، اما ساعت‌هایی که نمایان گر دقایق باشند، بسیاری از دیگر سو، برای دانستن اینکه یک ساعت گذشته است، ناگزیر از بستن یک ساعت مچی به دست نخواهیم بود، همان گونه که برای دانستن این که یک عدد موز پنجاه هزار تومان می‌ارزد، نیازی به مشاهده تراول پنجاه هزار تومانی نیست. هیچ زمان نمی‌توان دلار یا پوند یا فرانک را مشاهده کرد، اما گاهی یک ریال بر سکه‌ای نقش می‌بندد، گاهی بر اسکناسی، گاهی بر نمایشگر گوشی هوشمندی که پیامکی از بانک را بدین سان نمایش می‌دهد.

انسان‌های نخستین نیز برای این که بدانند، خون بهای فردی هزار دینار است یا کالایی صد درهم می‌ارزد، نیازی به مشاهده هزار دینار یا صد درهم نداشتند، اما با هوشیاری تمام دریافت می‌کردند، برای اینکه معامله‌ای را انجام دهند، می‌بایست، صد درهم را دریافت کرده تا بتوانند در معامله بعدی آن را به دیگری منتقل سازند. به زبان دیگر، آنان گرچه برای بهره بردن از سنجش‌گری پول، خود را بی نیاز از هر جسم و ماده‌ای دیده، تنها مفهوم انتزاعی پول را کافی می‌دانستند، اما برای بهره بردن از کارکرد وسیله پرداخت و ذخیره ارزش، خود را ناگزیر از خلق نماینده‌ای ملموس، برای آن مفهوم انتزاعی می‌دیدند تا هر زمان برای آنان قابل اثبات باشد. نتیجه آنکه گرچه پول خود دارای مفهومی انتزاعی است؛ اما، همواره در طول تاریخ نمایندگانی

1. Dick, D. G. *Op. cit*, pp 54-68.

2. Hyper-reality

3. Chung, J. J. *Op.cit*, p 3.

ملموس داشته است. از این گذشته، هرگاه هر شخص یا چیزی، همیشه و تنها یک نماینده داشته و خود همواره در پس پشت پرده باقی بماند، آن‌چنان با نماینده‌اش درهم گردیده که در عمل جدا ساختن او از نماینده‌اش، غیرممکن می‌نماید. این امر سبب ایجاد مفهوم فراواقعی برای پول می‌گردد که گاه با توجه به ابزارها و نمایندگان آن و گاه با نظر به جوهر و ماهیتش، نظریات گوناگونی پیرامون آن ارائه می‌گردد.

بنابراین، نباید به نماینده‌ها، نگاهی ساده‌انگارانه داشت و در تبیین مفهوم پول از کنار آنان بی‌توجه گذشت. این ابزارها در درازای تاریخ، به آرامی در پرورش انتزاع جمعی از پول، به عنوان دیدگاه مقبول، تأثیر داشته، مطالعه آنها تنها دارای ارزش تاریخی نیست. هنگامی که انسان‌ها توانستند حیوانات را رام کرده، از کوچ‌نشینی به یکجانشینی روی آورند، گاو و گوسفند نخستین حیواناتی بودند که به عنوان ابزار مبادلات مورد استفاده قرار گرفتند. به گونه‌ای که حتی واژه لاتین «Pecunia»، به معنای پول، از واژه «Pecus»، به معنای گاو/گوسفند، ستانده شده است. حتی در نخستین سکه‌های ضرب شده در جهان باستان نیز نقش گاو بر روی آن حک شده است. این امر استفاده از ارتکاز ذهنی پیشین و اعتماد ایجادشده نسبت به ابزار مبادلاتی و سنجش‌گری گاو، برای پول‌های فلزی جدید بود.^۱ پس از آن سکه‌هایی از جنس طلا و نقره به وجود آمدند؛ در این هنگام، بیشتر واحدهای پولی، همانند تلنت، اس، مارک و پوند، واحدهایی برای اندازه‌گیری وزن طلا و نقره به کار رفته در آن سکه‌ها بودند، اما پس از آنکه عرف به میزان اعلام‌شده حسب آن واحدها اعتماد کافی کرده و سکه‌ها با شماریدن و نه وزن کردن دست‌به‌دست می‌شدند، مقدار طلا و نقره به کار رفته در آنها نیز روزبه‌روز کمتر گردیده، رفته‌رفته این واحدها، ارزشی مستقل، جدای از وزن خود، پیدا کردند؛^۲ سپس، اسکناس‌هایی که نماینده میزان مشخصی طلا و نقره، نزد نگه‌دارنده آن بودند، ایجاد گردیدند. گرچه ایجاد چنین پول‌های کاغذی بایستوانه‌ای نیز با نشیب و فرازهای بسیاری همراه بوده و در گذر زمان، به ورشکستگی صراف‌ها و بانکداران بسیاری انجامید، اما سرانجام پس از آنکه اعتقادی شگرف نسبت به این اسکناس‌ها ایجاد گردید،

1. Geva, B. "From Commodity to Currency in Ancient History: On Commerce Tyranny, and Modern Law of Money", *Osgoode Hall Law Journal*, Vol. 25, No. 1, 1987, p 10.

2. Chung, J. J. *Op.cit*, p 4.

Nussbaum, A. "Basic Monetary Conceptions in Law" *Michigan Law Review*, Vol. 35, No. 6. 1937, p 10.

وابستگی میان اسکناس به پشتوانه‌اش نیز از میان رفت و مفهوم انتزاعی پول، به‌عنوان وسیله‌ای برای سنجش ارزش، با نازل‌ترین نماینده، در کنار سنجش‌گری به وظیفه ابزار پرداخت و حفظ ارزش خود پرداخت. اما پول همچنان تا رسیدن به مجرد ناب، که همانا پول کامل مدنظر زیمل است،^۱ راهی دورودراز در پیش‌روی خود می‌دید.

اما آخرین گام استفاده از ارتکاز ذهنی ایجادشده برای آن واحد اندازه‌گیری در اسکناس‌ها، در پیکره‌ای تمام مجرد، همچون پول بانکی بود. بانک در مسیر آفرینش پول، این پنداشت را در میان اذهان آدمیان ایجاد کرده که تمام وجوه نقدی سپرده‌گذاری شده نزد آنان موجود است. حال آنکه این وجوه با ادعاهای بسیاری از سوی افراد مختلفی مواجه بوده، هر بانک به میزان کمتر از پنج درصد پولی که آفریده است، اسکناس در اختیار دارد. این ادعاها نتیجه سازکار خلق پول بانکی و جعل امر ذهنی قرارداد شده پیرامون اسکناس‌های بدون پشتوانه دولت است. به عبارت دیگر، بانک مبادرت به جعل یک ماهیت ذهنی پیش‌تر ایجاد شده در ذهن مردم از اسکناس می‌نماید.^۲ این اعتمادسازی نیز به آسانی به دست نیامده است؛ بحران‌های اقتصادی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۷ اروپا، ناشی از همین تردید در باور مردمان نسبت به پول بانکی بود. وانگهی، گرچه ماهیت پول، از نخستین اشکال تاکنون تفاوتی نکرده است، اما بی‌گمان جامعه در هنگامی که سکه‌های موزون طلا و نقره را مورد پذیرش قرار می‌داده، امکان پذیرش پول کاغذی حتی با پشتوانه را نداشته است. آنچه در هر مرحله رخ می‌دهد آن است که در فراگرد تصور ذهنی افراد جامعه از پول جدید، پیشینه‌ای از پول قبلی وجود داشته که سبب پذیرش قالب تازه آن گردیده و در هربار، مجدد از آن پنداشت، استفاده گردیده تا نماینده‌ای کم‌هزینه‌تر برای جامعه خلق شود.

این شکل‌گیری آرام به دلیل ماهیت زمان‌بر ایجاد اعتماد است. اعتماد، در یک لحظه ایجاد نمی‌شود؛ هربار نیاز است تا از اعتمادهای پیشین به عنوان سنگ بنایی برای ایجاد اعتماد تازه استفاده شود. ناکاموتا به عنوان بنیان‌گذار بیت‌کوین که به درستی مبنای واقعی ارزشمندی پول را دریافته بود، درصدد بود تا این بار به جای اعتماد به ارزش ذاتی طلا و نقره یا قدرت اقتصادی

1. Dodd, N. "Simmel's Perfect Money: Fiction, Socialism and Utopia in The Philosophy of Money" *Theory Culture & Society*, No. 29, 2012, pp 7-8.

۲. مجاهدی مؤخر، محمد مهدی، رحیم دلای اصفهانی، سعید صمدی و رسول بخشی، «بررسی دیدگاه غربی و رویکرد اسلامی به ارتکاز ذهنی از ماهیت پول و اعتبار»، *نشریه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، د ۶۵، ۱۳۹۲، ص ۸.

دولت و بانک، از اعتقاد آدمیان به تخلف‌ناپذیری دانش ریاضی، باوری برای اعتماد به پول بودن آنچه او ساخته بود، بنا سازد. بهره‌گیری از واژه کوبین، به معنی سکه نیز پیوند دادن این پول مجازی به پول‌های فلزی و استفاده از ارتکاز ذهنی موجود برای سکه‌های فلزی است. هنگامی که دامان پول از تمامی متعلقات آن پاک گردد، در پایان به مفهومی مجرد و به کل انتزاعی از عدد و رقم دست یافته می‌شود که با درک آن، ویژگی انتزاعی پول، بیش‌ازپیش نمایان می‌گردد. باری، حصول ایمان جمعی به این مفهوم انتزاعی، به یک‌باره و ناگهانی ممکن نبوده، چاره‌ای جز به‌کارگیری نمایندگانی با ارزش مصرفی بالا و سپس استفاده از آن اعتقاد قبلی به نماینده‌ای دیگر نبوده است.

به‌دیگر سخن، پول در تطور تاریخی خود، اشکال گوناگونی از انواع و اقسام کالاها و فلزهای گران‌بها گرفته تا برگ‌های کاغذی ذاتاً کم‌ارزش و سرانجام عددی مشخص، موجود در حساب بانکی و یا ولت (کیف پول) مجازی^۱ به‌خود گرفته است. در این میان، گویی پول در هر مرحله، توانسته، با از میان برداشتن واسطه‌های مادی نشان‌دهنده خود، به هویت مجردش که چیزی جز یک «عدد» نیست نزدیک‌تر گردد. اما این مرحله به‌نظر آخرین مرحله از سیر تکاملی پول بوده و پول به هویت مجرد محض خود رسیده است.^۲ ماهیت حسابگر پول همواره از وصف عددی آن، پیروی کرده، خود را در قالب ارقام نشان داده است؛ با این همه، از گذشته‌های دور، برای ماهیت پرداختی آن، از ابزارهای گونه‌گونی، همچون کالاهای مختلف، سکه‌های فلزی، اسکناس و... استفاده شده است.

گرچه در اینجا به این نکته که ماهیت پول انتزاع محض است، رسیده‌ایم، اما مشکل انتزاعی دانستن پول این است که امر انتزاعی با حفظ ماهیت انتزاعی‌اش نمی‌تواند وارد زندگی انسان‌ها گردیده، دارای اثر شود. برای رفع همین مشکل است که ناگزیر باید پول به «برابر بیرونی» گره بخورد. مقصود از این برابر بیرونی، لزوماً امری مادی، همانند سکه و اسکناس نیست؛ این برابر بیرونی ممکن است خودش ملموس نباشد، مثلاً پول الکترونیک بانکی، با اینکه غیرمادی است، اما خود را بر روی نمایش‌گر گوشی همراه نشان داده، به‌آسانی قابل اثبات است. در همین راستا، استدلال شده‌است که اگر انسان‌ها همگی حافظه بسیار قوی داشته و با یکدیگر نیز صادق بودند،

1. Cryptocurrency Wallet

2. Condello, A. *Op.cit.*, p 11.

هیچ‌گاه پول نیاز به هیچ برابر بیرونی پیدا نمی‌کرد. همگی میزان پول در اختیار یکدیگر را به یاد داشته، بر همان مبنا عمل می‌کردند. همان‌گونه که برای بازی شطرنج چنانچه طرفین قواعد آن و عملکرد هر مهره را بدانند و حافظه قوی نیز داشته باشند، می‌توانند بدون وجود مهره‌های فیزیکی نیز آن را بازی کنند. فرض کنید، در زندان که پاکت‌های سیگار نقش پول را عمل می‌کنند، شخصی دارای ده پاکت سیگار باشد. اینک، اگر یکی از زندانیان پنج پاکت او را از میان ببرد، آیا میزان پول وی کم شده است؟ در این حالت، اگر همه زندانیان انسان‌های باحافظه قوی و صادق باشند، می‌توانند همچنان او را دارای ده پاکت سیگار پنداشته، هر پاکت او را دو پاکت در نظر گیرند. اما، شوربختانه چنین چیزی در جهان عملی نیست؛ ما نیاز به نمود بیرونی برای پول داریم.

در نتیجه، با وجود انتزاعی بودن مفهوم پول، از میان رفتن برابر خارجی، به نابودی خودش منجر می‌شود. بنابراین، نمی‌توان بیان داشت اسکناس‌های موجود در جیب من مفهومی کاملاً انتزاعی بوده، وجود خارجی‌اش را انکار نمود. همان‌گونه که سرقت تلفن همراهی که کیف پول مجازی یک رمزارز را در خود دارد، می‌تواند سبب از میان رفتن آن پول گردد. از این‌رو، محدودیت‌های ما به عنوان انسان سبب می‌شود که برخی از نهادهای انتزاعی برای ایفای نقش خود نیاز به نمودهای خارجی پیدا کنند. هنگامی که به عنوان شایبش مقداری پول بر روی زمین ریخته شده، دارنده از آن اعراض می‌کند، آن پول دارای هیچ مالکی نبوده، قدرت خرید را برای هیچ شخصی نمایندگی نمی‌کند؛ اما، همچنان پول محسوب می‌شود. در چنین حالتی قدرت خرید یا هر چیز دیگری که به تصور ما پول نماد آن باشد، در آن شیء مادی تجلی یافته و وارد آن شده است. همان‌گونه که قواعد انتزاعی عبور و مرور، باعث ایجاد محدودیت‌های ترافیکی می‌شود، اما برای اجرای این قواعد نیاز به وجود چراغ راهنمایی و رانندگی است. اگر چراغ در چهارراهی تخریب شود، آن قاعده نیز از آن چهارراه رخت برمی‌بندد.^۱

در جهان واقع و ملموس، اشیا از یکدیگر قابل جداسازی‌اند. به‌طور مثال، دو گل در عالم متفاوت با یکدیگرند، اما یک گل می‌تواند همزمان، خوشبو، سرخ رنگ و زیبا باشد. مفاهیم یادشده نیز گرچه از یکدیگر قابل تمایزند، اما در واقع نمی‌توان آنها را از یکدیگر جدا کرد و همگی همزمان در یک گل متجلی شده‌اند. در نتیجه، در امتداد عالم واقع، همزمان جهان‌های

1. Hindriks, F. "The Social Ontology of Money" Sandberg, Joakim, Warenski, Lisa. *The Philosophy of Money & Finance*, Oxford: Oxford University Press, 2024, pp 15-28.

اعتباری بسیاری شکل گرفته که لزوماً آینه تمام‌نمای جهان مادی نخواهند بود. از این‌روی، جهان اعتبار، بسیار وسیع‌تر از عالم واقع است. پول نیز همزمان که می‌تواند سکه‌ای در دست فردی باشد (عالم واقع)، می‌تواند نشانه‌ای از ارزش اعتباری حاصل نبوغ و خلافت انسانی باشد (جهان اعتبار). همان‌گونه که عشق احساسات میان دو شخص را واسطه‌گری می‌نماید، اما دادن هدیه تنها نماد و سمبل عشق به‌عنوان امری انتزاعی است. بر این بنیاد، جابه‌جایی سکه میان دو فرد نیز تنها نمادی از عملکرد وسیله مبادله بودن پول است. در اندیشه ارسطو و پیروان دیدگاه ارزش ذاتی هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه میان آن چیزی که نمایانده می‌شود، یعنی وسیله مبادله و ابزار سنجش ارزش بودن، با آن چیزی که با آن نمایانده می‌شود، به‌طور مثال سکه، ارتباطی وجود دارد، دیده نمی‌شود؛ در برابر، طرفداران دیدگاه ارزش انتزاعی نیز، یکسره در عالم مجردات سیر کرده، از توجه به برابری بیرونی پول غفلت ورزیده‌اند.^۱

برخلاف آنکه بسیاری لاک را از جمله هواداران دیدگاه ارزش ذاتی پول می‌دانند، اما به‌نظر می‌رسد دیدگاه او درباره پول کمی پیچیده‌تر باشد. از نظرگاه او، پول دارای دو جنبه است؛ جنبه انتزاعی که از آن به حالات مرکب^۲ یاد می‌کند و دیگری همان جنبه مادی و فیزیکی (طلا و نقره در دوران او) است. در نگرش لاک حالات مرکب مفاهیم چندگانه‌ای هستند که به یک ویژگی فیزیکی مشخصی وابسته نبوده، درک آنها به فهم چند چیز گوناگون وابسته است. انسان برای فهم جنبه مادی نیاز به اسم ندارد. می‌تواند به آن اشاره کند و با دیدن و لمس کردن آن را درک کند؛ اما شناخت حالات مرکب ناگزیر از کلمات است. این اسامی هستند که بخش‌های مختلف آن مفهوم را متحد کرده، از آن محافظت می‌کنند. آن‌گونه که آدمیان از این حالات ترکیبی استفاده می‌کنند، در فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون متفاوت است؛ چراکه این ایده‌ها به فرهنگ‌ها و زبان‌ها وابستگی دارند. بنابراین، ترجمه کردن آنها کار آسانی نیست. کلماتی مانند درخت و دوچرخه که به یک جسم فیزیکی مشخصی اشاره دارند، به‌راحتی در هر زبانی قابل ترجمه‌اند؛ چراکه به امور مادی اشاره دارند؛ اما، واژگان صلح و عدالت چنین نیستند.

1. Nain, A. Jung, P. G. *Understanding Money, Philosophical Framework of Monetary Value*, New York: Routledge, 2022, pp 10-23.

2. Mixed Mode

واژه «Justice» همان‌گونه که در فرهنگ غربی درک می‌شود، مساوی با «العدل» در فرهنگ اسلامی نیست. همین عدل اسلامی آنگونه که در سده‌های نخستین هجری فهم می‌شد، با آن عدالتی که در قرن بیست‌ویکم در کشورهای اسلامی درک می‌شود، تفاوت از زمین تا آسمان است؛ درکی که حافظه جمعی ایرانیان، به‌عنوان مردمانی مسلمان، از عدالت دارد، با فهم مردمان مسلمان مراکش در شمال غرب آفریقا و اندونزی در جنوب شرق آسیا، یکسان نیست؛ چراکه حافظه تاریخی متفاوت این فرهنگ‌ها، عدالت را به‌گونه‌ای ناهمگون ساخته و پرداخته است. لاک معتقد بود اغلب کلمات حقوقی از این قبیل هستند. با این همه، او برخی از حالات مرکب را قطعی و ثابت می‌داند؛ مانند ریاضیات. به‌طور مثال، همواره دو به علاوه دو، می‌شود، چهار؛ گرچه در عالم خارج آن را هرگز مشاهده نکنیم. اما برخی دیگر، مانند پول چنین نیستند. هرچند ممکن است مردمان تمام جهان نیز آن را با یک واژه مشابه بخوانند، اما هرکدام حسب درک فرهنگی و تاریخی خود، مفهومی متفاوت از آن برداشت نمایند.^۱

بدین‌سان، کلمات همانند برجسب‌هایی بر روی ایده‌هایی که در ذهن انسان‌ها قرار دارد، می‌باشند. شخص هنگامی که با دیگری صحبت می‌کند، در حال جابه‌جا کردن کلمات نیست، بلکه ایده‌های ذهنی خود را با استفاده از محدودیت‌های زبانی به‌دیگری منتقل می‌سازد. دیگری نیز آن ایده را همان‌گونه که خودش درک کرده، می‌فهمد. مثلاً، در کوچه پس‌کوچه‌های پاریس، پسری به دختری ابراز علاقه کرده، برای انتقال این مفهوم از واژه عشق استفاده می‌کند. عاشق می‌خواهد همان فهمی که خودش از عشق دارد (عشق افلاطونی) را به معشوق منتقل کند، اما معشوق همان‌گونه که خودش عشق را فهمیده، (عشق رمانتیک)، برداشت می‌کند. لاک معتقد است، محدودیت‌های زبانی اجازه درک صحیح حالات مرکب را نخواهد داد. از نظر لاک زبان هنوز آن‌چنان پیشرفته نشده است که بتواند به مفهومی یکسان راجع به پول در ذهن همه انسان‌ها دست یابد. از همین بابت، ناگزیر از استفاده از یک ماده بیرونی بوده تا مفهوم پیچیده پول را برای ملموس‌تر شدن بدان گره بزنیم. این ما هستیم که نیاز داریم پول را برای فهم بهتر به یک کالای مادی متصل سازیم؛ بی‌آنکه این ماده خودسرانه از سوی مردم انتخاب شود؛^۲ انسان در طول تاریخ برای وارد ساختن حالات مرکب دیگری چون دین در زندگی روزمره نیز

1. Caffentiz, G. *Op. cit.*, pp 70-80.2. Caffentiz, G. *Op. Cit.*, pp 80-90.

دست به دامان برابرهای بیرونی شده است؛ بت برای بت‌پرستان، آتش برای زرتشتیان^۱ و کعبه و حرم برای مسلمانان چنین نقشی دارند؛ اگر چنانچه مفاهیم خوبی و عدالت را به مصادیق ملموس متصل نسازیم، اشخاص سودجو، با به‌کاربردن آن، از این واژگان سوءاستفاده می‌کنند، درباره پول نیز فرصت برای اشخاص ریاکار به‌خوبی فراهم می‌گردد. بنابراین، اگر پول فقط به ایده ذهنی متصل باشد، باعث ایجاد مشکلات و سردرگمی گردیده، همچنین، نمی‌تواند به جهان مادی انسان‌ها ورود کرده، منشأ اثر شود. سرانجام، پول حاصل ارتباط میان جهان ماده و قرارداد اجتماعی بوده، نهادهای مدنی و دولت از این ارتباط پاسبانی می‌کنند.

نتیجه‌گیری

پول در پویه تاریخ در مرکز دیدگاه‌های گوناگون ماهیت‌شناسانه قرار داشته است. بسیاری از فلاسفه و حقوق‌دانان گرفته تا متفکران اجتماعی و اقتصاددانان نیز از زوایای مختلف به این امر پرداخته‌اند. داشتن ابعاد گوناگون، ارتباط با بخش‌های مختلف زندگی بشر، تغییر و تکامل ظاهری و دشواری ذاتی مباحث انتزاعی، سبب ایجاد دیدگاه‌های متناقضی در این باره گردیده است. از دیگر سو، همان‌گونه که در واکاوی مفهوم حالات مرکب جان لاک بیان گردید، به‌طور کلی، مفاهیم انتزاعی، برای ورود به زندگی انسان، ناگزیر از چنگ‌زدن به دستاویزی مادی و بیرونی‌اند؛ این امر اختصاص به پول ندارد، امور انتزاعی دیگر چون زبان، قانون و دین نیز با وجود انتزاعی بودن، بدون بهره‌بردن از «برابر بیرونی قابل اثبات و همه‌پذیر»، توان اقناع و پذیرش عمومی پیدا نخواهند نمود. از این رو، پول نیز برای دست یافتن به اعتقادی عمومی، در درازای تاریخ از ابزارهای گوناگونی استفاده نموده است. این ابزارها از کالاهای مصرفی اولیه و فلزات با ارزش بالقوه بالا گرفته تا کاغذهای کم‌ارزش یا عدد و رقمی نمایش داده‌شده بر سرورهای رایانه‌ای بانک‌های مختلف و یا نمایش‌گرهای گوشی متغیر بوده است. گرچه این برابر روزبه‌روز کم‌هزینه‌تر گردیده، اما هیچ‌گاه از میان نرفته است. بنابراین، پول کامل، بدان معنی که زیمل آن

۱. «نگویی که آتش‌پرستان بُدند؛ پرستنده پاک یزدان بدند.» منسوب به فردوسی. از جمله در مجادله‌ای که یکی از مغان با ترسایی، نامش مهران گشنسب می‌کند، چنین می‌گوید: «ما آتش را به هیچ‌وجه خدا نمی‌شمیریم؛ خدا را به‌وسیله آتش نیایش می‌کنیم؛ چنان‌که شما نیز خدا را به‌وسیله صلیب می‌پرستید.» زرین‌کوب، عبدالحسین، **دو قرن سکوت**، ج ۱، تهران: فانوس سپهر، ۱۴۰۱، ص ۲۶۰.

را پنداشته است، تا کنون پا به عرصه نگذاشته‌است. وانگهی، این عوامل بیرونی سبب گمراهی در تحلیل گردیده، اندیشه بسیاری از اندیشه‌وران پیرامون پول را به‌خود معطوف ساخته است؛ به‌گونه‌ای که شکل‌گیری دیدگاه‌های ارزش ذاتی راجع به پول، نمونه‌ای از همین امر خواهد بود. به هرروی، در این مقاله، در عین پذیرش دیدگاه انتزاعی پول، به‌دلیل وابستگی آن به برابر بیرونی قابل اثبات برای ورود آن به مادی‌ترین بخش زندگانی بشر، یعنی حیات مبادلاتی و اقتصادی، دیدگاه آمیخته مورد پذیرش قرار گرفته است.

اینک، این دیدگاه بر تمامی دانش حقوقی، از آغازین مرحله ایجاد دیون و تعهدات پولی و استقرار آن بر ذمه گرفته تا به‌هنگام مرگ و پایان یافتن آن از رهگذر پرداخت یا دیگر اسباب سقوط دین و تعهد اثرگذار خواهد بود. به‌طور مثال، فقها تا به‌هنگام رواج سکه‌های ساخته‌شده از جنس طلا و نقره به دیدگاه ارزش ذاتی پایبند بوده، سکه‌ها را حسب وزنشان دارای ارزش برمی‌شمردند. از همین رو، جابه‌جایی درهم و دیناری که با یکدیگر از لحاظ وزن متفاوت بودند، هرچند ارزش عددی یکسانی می‌داشتند، را دانسته می‌شد، این امر تا آنجا پیش می‌رفت که حتی سکه‌های درهم و دیناری که ارزش ذاتی و عددی یکسانی داشتند، تنها یکی از آنها تازه و دیگری کهنه بود نیز نابرابر پنداشته شده، احتمال را در آن داده می‌شد. با این همه، این اندیشه پس از ایجاد اسکناس‌های جدید از اندیشه فقها بیرون گردیده، دیدگاه ارزش عددی که خود در پول‌های فلزی سبب ایجاد را می‌شد، حال به دژی مستحکم در برابر را بدل شده بود. نتیجه آنکه پایبندی یا مخالفت با دیدگاه ارزش عددی، برای فقها موضوعیت نداشت، آنان برای رهایی از غرر و ربا، با توجه به آن ماهیتی از پول که مورد قبول آنان بود، گاه مخالف سرسخت ارزش عددی بوده، گاه در زمره موافقان آن درآمده‌اند. وانگهی، از آنجا که امروزه، پس از ظهور اسکناس‌های کاغذی، دیدگاه ارزش اعتباری میان فقها نفوذ چشمگیری یافته است، اغلب آنان دیدگاه ارزش عددی را مورد پذیرش قرار داده‌اند. بنابراین، مشخص می‌گردد چگونه تفاوت در دیدگاه مبنایی پیرامون پول به تمایز احکام آن منجر می‌گردد. حال، پذیرش دیدگاه ارزش آمیخته که بر بنیاد دیدگاه اعتباری پول، به برابر بیرونی آن نیز بی‌توجه نیست، موجب پدید آمدن دیدگاهی تازه پیرامون ربا، اصل ارزش عددی، سرقت و غصب پول و به‌طور کلی نظام حاکم بر دیون پولی می‌گردد.

منابع

الف) فارسی

کتاب

۱. اینگام، جفری، **ماهیت پول**، مترجمان: اصلا ن قودجانی، حسین درودیان و علی نصیری اقدم، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **الفارق (دائرة المعارف عمومی حقوق)**، ج ۳، چ ۳، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۵.
۳. زرین کوب، عبدالحسین، **دو قرن سکوت**، چ ۱، تهران: فانوس سپهر، ۱۴۰۱.
۴. شوپائی، حسین، **فقه عقود مستحدثه**، تقریرات: جمعی از نویسندگان، قم: انتشارات حوزه‌های علمیه، ۱۴۰۱.
۵. طباطبائی، سید محمدحسین، **اصول فلسفه و روش رئالیسم (با پاورقی شهید مرتضی مطهری)**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا.
۶. گلدستاین، جیکوب، **پول؛ داستان واقعی یک چیز الکی**، مترجم: راستی، میلاد، تهران، راه پرداخت، ۱۴۰۰.
۷. لونگرن، اریک، **پول**، ترجمه احد علیقیان، تهران: نشر نو، ۱۳۹۹.
۸. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار شهید مطهری**، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۱.
۹. نورث، گری، **پول راستین**، طرح کتاب مقدس برای پول و بانکداری، ترجمه سید مجتبی فائزی، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۸.
۱۰. هرازی، یووال نوح، **پول**، ترجمه مهدی نمازیان، تهران: نشر نو، ۱۳۹۸.
۱۱. یوسفی، احمد علی، **ماهیت پول**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۷.

مقاله

۱۲. مجاهدی مؤخر، محمد مهدی، رحیم دلای اصفهانی، سعید صمدی و رسول بخشی، «بررسی دیدگاه غربی و رویکرد اسلامی به ارتکاز ذهنی از ماهیت پول و اعتبار»، *نشریه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، دوره ۶۵، ۱۳۹۲، صص ۲۰۱-۲۳۰.

۱۳. هاشمی‌شاهرودی، سید محمود، «احکام فقهی کاهش ارزش پول»، د/درسی، شماره ۱۶، ۱۳۷۸، صص ۱۱-۵.

ب) منابع عربی

۱۴. الخوئی، سید ابوالقاسم، **توضیح المسائل**، تهران: انتشارات ایران، ۱۳۷۰.
۱۵. بجنوردی، سید محمد حسن، **القواعد الفقهیه**، قم: نشر الهادی، ۱۴۱۹.
۱۶. خمینی، سید روح‌الله، **تحریر الوسیله**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
۱۷. خمینی، سید روح‌الله، **توضیح المسائل (المحشی)**، ج ۲، چ ۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۴.

References

Books

1. Bojnordi, Mohammad Hassan, *Principle of Islamic Jurisprudence* (*Al'qava'id Al'Fiqhi'e*), Qom: Al-Hadi Publication, 1998. (in Arabic)
2. Brynjarsdottir, E. M. *The Reality of Money, The Metaphysics of Financial Value*, New York: Rowman & Littlefield International, 2018.
3. Caffentiz, G. *John Lock's Philosophy of Money*, London: Pluto Press, 2021.
4. Condello, A. Ferraris, M. Rogers Searle, J. *Money, Social Ontology and Law*, Oxfordshire: Routledge, 2019.
5. Crowther, G. *an Outline of Money*, London: Thomas Nelson and Sons, 1946.
6. Dick, D. G. *How Many People Does It Take to Make a Dollar*, Sandberg, Joakim, Lisa Warenski, *The Philosophy of Money & Finance*, Oxford: Oxford University Press. 2024.
7. Douglas, A. X. *The Philosophy of Debt*, New York: Routledge, 2016.
8. Goldstein, Jacob. *Money: The True Story of a Made-up Thing*, Translated by: Milad Rasti, Tehran: Rah E Pardakht, 2021. (in Persian)
9. Harari, Yuval Noah. *Money*, Translated by: Mahdi Namazian, Tehran: Nashr E Noon, 2019, (in Persian)
10. Hindriks, F. *The Social Ontology of Money*, Sandberg, Joakim, Warenski, Lisa. *The Philosophy of Money & Finance*, Oxford: Oxford University Press, 2024.
11. Ingham, Geoffrey. *The Nature of Money*, Translated by Aslan Qoodjani, Hossein Doroodoan and Ali Nasiri Aqdam, Tehran: Imam Sadegh University Press, 2021, (in Persian)
12. Jafari Langroodi, Mohammad Jafar. *Al'Fariq, General Encyclopedia of Law*, 3rded. Tehran: Ganj E Danesh, 2016, (in Persian)
13. Khoei, Seyed Abo-al-Ghasem, *Explanation of Issues* (Tawdih al-Masa'il), Tehran: Iran Publication, 1950. (in Arabic)
14. Khomenei, Seyed Rouh-Allah, *Tahrir al-Wasilah (Al'Mohasha'h)*, 8thed. Vol. 2, Qom: Islamic Publication Bureau, 2003. (in Arabic)
15. Khomenei, Seyed Rouh-Allah. *Tahrir al-Wasilah*, Tehran: The Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomenei, 1959. (in Arabic)
16. Lonergan, Eric, *Money*, Translated by Ahad Aqilian, Tehran: Nashr E Now, 2020, (in Persian)
17. McKendrick, E. *Goode on Commercial Law*, 5thed. Westminster: Penguin, 2016.

18. Motahari, Motahari, *Collected Works of Martyr Motahari*, Tehran: Intisharat E Sadra, 2002, (in Persian)
19. Nain, A. Jung, P. G. *Understanding Money, Philosophical Framework of Monetary Value*, New York: Routledge, 2022.
20. Naismith, R. *Turpe lucrum? Wealth, Money and Coinage in the Millenial Church*, in: Giles E. M. Gasper and Svein H. Gullbekk (eds.), *Money and the Church in the Medieval Europe, 1000-1200*, Farnham and Surrey, Ashgate, Oxfordshire: Routledge 2015.
21. North, Gary, *Honest Money: Biblical Principle of Money and Banking*, Translated by: Seyed Mojtaba Vaezi, Tehran: Donya-ye-Eqtasad Publication, 2019, (in Persian)
22. Peel, Edwin, *The Law of Contract*, 5th ed. London: Sweet & Maxwell, 2015.
23. Poggi, G. *Money and Modern Mind*, London: University of California Press, 1993.
24. Rahmatian, A. *Credit and Creed: A Critical Legal Theory of Money*, 1st ed. New York: Routledge, 2020.
25. Shoopaei, Hossein, *Fiqh of Innovative Contracts*, Qom: Hoza Ilmie'h Publication, 2022, (in Persian)
26. Smith, A. *Wealth of Nation*, Book 4, Chapter 5, No Place: No Name, (2000 reprinted), 1776.
27. Tabatabaei, Mohammad Hossein, *Principles of Philosophy and the Method of Realism (with Footnotes by Martyr Morteza Motahari)*, Qom: Intisharat E Islami, No Date, (in Persian)
28. Von Hagen, J. Welker, M. *Money as God? The Monetization of the Market and its Impact on Religion, Politics, Law, and Ethics*, Cambridge: Cambridge University Press, 2014.
29. Yousefi, Ahmad Ali, *Nature of Money*, Tehran: Research Institute for Culture and Islamic Thought, 1998. (in Persian)
30. Zarinkoob, Abd-al-Hossein. *Two Centuries of Silence*, 1st ed. Tehran: Fanoos Sepehr, 2022. (in Persian)

Articles

31. Chadwick, Anna. "Rethinking EU's Monetary Constitution: Legal Theory of Money", *The Euro, And Transitional Law, European Law Open*. Vol. 1, No. 3, 2022, pp 468-509.

32. Chung, John J. "Money as Simulacrum: The Legal Nature and Reality of Money", *Hastings Business Law Journal*. Vol. 5, No. 1, 2009, pp 109-168.
33. Dodd, Nigel. "Simmel's Perfect Money: Fiction, Socialism and Utopia in The Philosophy of Money", *Theory Culture & Society*, No. 29, 2012, pp 146-176.
34. Fox, David, "The Legal Value of Money", *Edinburgh Student Law Review*, Vol. 3, No. 4, 2019, pp 1-3.
35. Geva, Benjamin. "From Commodity to Currency in Ancient History: On Commerce Tyranny, and Modern Law of Money", *Osgoode Hall Law Journal*, Vol. 25, No. 1, 1987, pp 115-157.
36. Hashemi Shahroodi, Seyed Mahmoud, "Jurisprudential Rulings on Devaluation of Money" *Dadrasi*, Vol. 16, pp 5-11. (In Persian)
37. Innes, A. Mitchell. "Credit Theory of Money" *The Banking Law Journal*, Vol. 31, No. 2, 1914, pp 151-168.
38. Mojahidi Mo'akhar, Mohammad Mahdi, Rahim, Dalali Isfahani, Saeed Samadi and Rasoul Bakhshi, "Analysis of Western Perspective and Islamic Approach to the Mental Concentration of the Nature of Money and Credit" *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, Vol. 65, pp 201-230. (In Persian)
39. Nussbaum, Arthur. "Basic Monetary Conceptions in Law" *Michigan Law Review*, Vol. 35, No. 6. 1937, pp 865-907.
40. Oberauer, Nobert. "Money in Classic Islam: Legal Theory and Economic Practice" *Islamic Law and Society*, Vol. 25, No. 4, 2018, pp 427-466.
41. Siegfried, Nikolaus A. "Concepts of Paper Money in Islamic Legal Thought" *Arab Law Quarterly*, Vol. 16, No. 4, 2001, pp 319-332.

The Impact of the Nature of Money on its Legal Rulings

Abbas Karimi*
Taha Arabasadi**
Mehrsa Majidi***

Abstract

The inception of money within societies remains one of the most intricate questions in history. In this article, the authors aim to explore how certain entities within society come to be universally recognized and accepted as money. Employing an analytical-descriptive methodology and using extensive library sources, the study concludes that money, as a social construct, arises from a collective abstraction among individuals who possess sufficient motivation to ascribe functional significance to it. Nonetheless, this intangible conceptualization of money necessitates a tangible, externally verifiable counterpart to facilitate its integration into the most material aspect of human life—economic activity. This quasi-religious belief, which sustains the existence of money, did not materialize abruptly; rather, it has been repeatedly challenged, dismantled, and subsequently reaffirmed more firmly throughout history. On the other hand, the intermingling of money's abstract nature with its external counterparts has often been a barrier, leading to the emergence of diverse perspectives regarding its fundamental essence. This has, at times, caused confusion and misguidance in legal analyses centered around money. Therefore, in this article, various viewpoints regarding money and the influence of each on legal rulings are examined in depth across four sections.

Key Words:

Mixed Value, Credit Value, Intersubjective Value, Intrinsic Value, Nature of Money, The State Theory of Money.

* Professor of Law, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
Corresponding Author Email: abkarimi@ut.ac.ir

** PhD Candidate, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

*** L.L.M Student, Faculty of Law, University of Montreal, Montreal, Canada

